

فراخوان کارگران و دانشجویان به طرد جهانی جمهوری اسلامی

صفحه ۲

حمید تقوایی



هر باره باید بگوییم؛ خودکشی راهکار نیست!

نسان نودینیان



در سال جاری و تا کنون خبر بیش از پنجاه مورد خودکشی در کردستان را متأسفانه شنیده ایم. از این خودکشیها بیش از سی مورد در میان زنان و بیش از بیست مورد در میان مردان بوده است.

و بیشتر کرده است. جامعه ایران تحت حاکمیت

در دوهفته گذشته دو دختر نوجوان «رژوان شریفی» و «بهاره توریوری» در سنجاق اقدام به خودکشی کرده و متأسفانه جان خود را از دست دادند.

سن کسانی که اقدام به خودکشی کرده اند از دوازده سال تا سنها بالاتر از چهل سال و بیشتر دیده میشود. روشهای خودکشی عمدتاً حلق آویز کردن، خوردن قرص، خودسوزی و خودکشی با اسلحه، و خود را از بلندی پرت کردن بوده است.

دلایل خودکشی را عمدتاً فقر، ازدواج اجباری، افسردگی، فشار اخلاقی و مردسالاری اعلام میکنند. آنچه ما امروز در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی شاهد هستیم، خود نیز زمینه های دست زدن به خودکشی را راحت

تجربه کار شورایی در کردستان

صفحه ۴

رحیم یزدانپرست

تراژدی ای بنام کولبری

صفحه ۶

گفتگو با عبدال گپریان

هوشمند علی پور بعد از لغو حکم اعدام، تبرئه شد

صفحه ۸

۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل

صفحه ۲

جمهوری اسلامی را محکوم کردند!

هدف از تبرئه موسوی تبرئه حکومت است

صفحه ۳

حزب کمونیست کارگری ایران

نمایندگان کرد مجلس، توجیه گر کشتار کولبرانند!

صفحه ۳

یدی محمودی

شکنجه گران باید محاکمه شوند!

صفحه ۳

کمیته بین المللی علیه اعدام

مردم مبارز سردشت! تخلیه اجباری شش روستای مرزی شهرستان سردشت را محکوم و خنثی کنید!

صفحه ۴

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطفی

اطلاعیه های خبری حزب در مورد اعتصابات و اعتراضات کارگری

- * قربانی شدن چهارصد کارگر نفت بر اثر کرونا
- * ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه
- * اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد
- * ادامه اعلام انزجار تشکلهای کارگری و بازنشستگان علیه اعدام نوید افکاری
- * اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان شرکت نفت گچساران

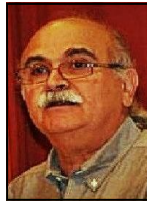
صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را محکوم کردند!

فراخوان کارگران و دانشجویان به طرد جهانی جمهوری اسلامی

حمید تقوایی



حقوق بشری، برای به رسمیت شناخته شدن حقوق مردم ایران توسط حکومت کافی و چاره ساز نیست. باید محدودیت های سیاسی جدی و عملی در سطح جهانی تا زمان تن دادن به رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم علیه حکومت ایران اعمال گردد."

این نامه از جانب انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، شورای بازنشستگان ایران، تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه های هنر تهران، گروهی از فعالین کارگری سقر و گروهی از فعالین لغو کار کودکان امضا شده است، اما خواست اکثریت عظیم مردم ایران را نمایندگی میکند. این تشکلهای گروهها پیشروان موج اعتراضی و جنبش تازه ای هستند در فراخواندن جامعه جهانی به طرد حکومت کشتار و اعدام در ایران. فراخوانی که با صدای بلند به جهانیان اعلام میکند "جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم ایران است. آنرا به رسمیت نشناسید!"

باید تلاش کرد این حرکت هر چه گسترده تر بشود. این گام مهم و تعیین کننده ای در جهت متوقف کردن کشتارها و اعدامها و سرکوبگریها در ایران و نهایتا بزیر کشیدن جانیان حاکم است.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

۶ مهر ۱۳۹۹

خودکشی همراه و همزاد برخی و در "خمیره و سرشت" آنهاست؟ آیا واقعا از آن گریزی نیست؟ به طور خلاصه پاسخ این سوالات مشخصا خیر است. هیچ شواهد علمی که نشان دهد "خودکشی در خمیره و سرشت کسی است" وجود ندارد و هر کسی که دچار چنین وضعیتی شده هم می تواند از این افکار نجات یابد.

۸ مهر ۱۳۹۹

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

در هفته های اخیر در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری و سپس در اعتراض به قتل او حرکت گسترده ای در ایران و در سطح جهانی شکل گرفته است. این اعتراضات در روند پیشروی خود حول خواست و هدف طرد و تحریم سیاسی و ورزشی و فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح جهانی متمرکز و هم جهت میشود. در روز اول مهر نامه سرگشاده ای خطاب به عفو بین الملل از جانب تشکلهای و گروههایی از فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین لغو کار کودکان منتشر شد که باید آنرا گام بلندی در این جهت به شمار آورد. در این نامه اعلام میشود:

"ما مردم ایران، بخشی از گستاخی حکومت در برابر مردم جامعه را نتیجه مماشائهای بین المللی می دانیم که هنوز علیرغم کشتار و اعدام شهروندانش در محافل، مجامع و سازمان های جهانی پذیرفته می شود و روابط سیاسیش با دنیای خارج برقرار است. بنابراین مجامع بین المللی نیز مسئول هستند. ما مصرانه از شما می خواهیم تا با فشار آوردن به مجامع بین المللی، خواستار آن شوید که بر حکومت ایران فشار بیاورند تا دست از کشتار، شکنجه و اعدام بردارد و حقوق پایه ای مردم ایران را به رسمیت بشناسد. صدور بیانیه ها در محکومیت اعمال ضد

داستان "زنه به گور" او می شود و می نویسد: "همه از مرگ می ترسند و من از زندگی سمج خودم. چقدر هولناک است وقتی که مرگ آدم را نمی خواهد و پس می زند! نه کسی تصمیم به خودکشی نمی گیرد، خودکشی با بعضی ها هست. در خمیره و سرشت آنهاست، نمی توانند از دستش بگریزند."

اما آیا آنطور که هدایت و بسیاری از مردم به مانند او باور دارند،

زمانی رژیم نژاد پرست آفریقایی جنوبی اشغال کرده بود. انعکاس این وضعیت است که اکنون در تصمیمات دولت ها، نهادهای سازمان ملل، نهادهای بین المللی ورزشی و فرهنگی خود را نشان میدهد.

طرد و انزوی سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی و بیرون کردن این حکومت اسلامی ننگ بشریت از همه مجامع جهانی امر مهمی است که حزب ما سالهاست در دستور کار خود قرار داده و بسهم خود برای آن میکوشد. جمهوری اسلامی حکومت مردم ایران نیست و هیچ مشروعیتی ندارد. این حکومت قاتل مردم ایران است و باید برود. لذا باید در جهان و توسط همه نهادها و دولت ها و در همه جا محکوم و منزوی شود. مردم ایران شایسته حکومتی هستند که با اعمال اراده مستقیم خود برپا میکنند و آزادی و برابری و رفاه و شادی و انسانیت را در ایران برقرار میکنند.

حزب کمونیست کارگری

۶ مهر ۱۳۹۹

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

در عرصه مبارزه اجتماعی دخالت فعالین توده ای در شهرها و گسترش اتحاد و ایجاد کانون های مردم در محلات اقدامات موثری خواهند بود. درک و حمایت از کسانی که در افسردگی هستند و یا تحت مداوا و درمان روانپزشکی قرار دارند توسط فعالین اجتماعی و نزدیکان آنها و ایجاد همدلی و کمک به آنها انسانی ترین اقدامی است که باید انجام داد.

این کامنت کوتاه را با نقل قول کوتاهی از صادق هدایت تمام میکنم. "یک دیوانگی کردم، به خیر گذشت" این بخشی از نامه ای است که صادق هدایت پس از اولین اقدام به خودکشی برای برادرش نوشت. او در سال ۱۳۰۷ تلاش می کند خودش را در رودخانه ای در پاریس غرق کند قایقی از راه می رسد و نجاتش می دهد. او هرگز درباره دلایل این کارش حرفی نزد. این ماجرا بعدها الهام بخش

سازمان عفو بین الملل از جنایات جمهوری اسلامی در آبانماه گذشته، اعتراض وسیع در داخل و خارج ایران به اعدام وحشیانه نوید افکاری و بر علیه مجازات اعدام، همینطور اقداماتی نظیر لغو سفر وزیر امور خارجه ایران به اروپا منتشر میشود، حائز اهمیت سیاسی جدی است. اکنون پروشنی میتوان دید که دولت ها و دست اندکاران کشورهای بیشتری دارند متوجه میشوند که مردم قهرمان ایران حلقه اعتراضات و اعتصابات شان را بر جمهوری اسلامی تنگ تر و تنگ تر میکنند و قطعاً خواهان سرنگونی این رژیم سفک اسلامی هستند. دیگر فضای سازش و مماشات با یکی از جنایتکارترین رژیم های حاضر که هر روز رسواتر و به سقوط نزدیکتر میشود غیر ممکن میشود. جمهوری اسلامی دارد زیر فشار اعتراضات و مبارزات هر روزه کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان، بازنشستگان و فعالان محیط زیست، جنبش علیه اعدام، جنبش همجنسگرایان و غیره در چشم افکار عمومی جهان به جایگاهی رانده میشود که

روز جمعه ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰ (۴ مهر ۹۹)، نمایندگان ۴۷ کشور حاضر در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در بیانیه نسبتا شدیدالحنی که توسط نماینده دولت آلمان قرائت شد، اعدام نوید افکاری، نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران، سرکوب زندانیان سیاسی، بکارگیری مجازات اعدام و بخصوص اعدام کودکان و نوجوانان و بکارگیری شکنجه و سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم را محکوم کردند. در این بیانیه ۴۷ کشور حاضر در نشست شورای حقوق بشر خواهان متوقف کردن مجازات اعدام در ایران و آزادی زندانیان سیاسی شده اند، از حکومت اسلامی خواسته اند موازین دادرسی عادلانه را رعایت کند، از خود قاتلین خواسته شده که موضوع کشتار آبانماه را بررسی کنند و از "شجاعت مدافعان حقوق بشر" و بخصوص از مدافعان حقوق زنان، فعالان محیط زیست و وکلای دادگستری ستایش کرده اند. این بیانیه مشترک که در پی گزارش مشروح و پر انعکاس

از صفحه ۱ هر باره باید بگوییم؛ ...



در جامعه است. زندگی با رفاه اجتماعی، دسترسی به امکانات مالی و تامین زندگی در شان انسان امروز بدور از فقر و تحقیر انسانها، به هر درجه با استانداردهای بالا و امروز تامین شود، خوشبختی و سعادت، کرامت و حرمت انسانی مردم بیشتر و بیشتر میشود. تامین این شرایط فقط و فقط با سرنگونی و کوتاه کردن دست جنایت جنایتکاران حکومت فاسد اسلامی، ممکن است.

کنونی نیز فشارهای بسیاری از قبیل گوشه گیری، احساس ناامنی و خودکشی را موجب می شود. در کنار فقر و دسترسی نداشتن به امکانات مالی کافی و تامین بی دغدغه زندگی نداشتن پوشش بیمه ای و حمایتی برای چند میلیون مریض در معرض بیماری های روانی بر میزان خودکشی میفزاید. راه مبارزه با شرایط نابسامان کنونی و مبارزه با پدیده خودکشی تحقق سعادت و خوشبختی مردم

هدف از تبرئه موسوی تبرئه حکومت است

اخیرا جمعی با عنوان فعالین مدنی و سیاسی ایرانی بیانیه ای در اعتراض به گزارش دو سال قبل عفو بین الملل در مورد کشتار تابستان ۶۷ منتشر کرده اند. در این بیانیه به امنستی اعتراض کرده اند که چرا جنایت سال ۶۷ را تحریف کرده و موسوی را هم شریک این جنایت معرفی کرده است. اینها ادعا میکنند که نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی از جنایات حکومتش خبر نداشته است!

اگر این بحث فقط تبرئه شخص موسوی را شامل میگردید، از اهمیت چندانی برخوردار نبود و میشد از کنارش گذشت. زیرا موسوی مدتهاست که جایی در سیاست این کشور ندارد. اما تلاش برای تبرئه نخست وزیر وقت حکومت اسلامی در واقع تلاشی نامقدس و وقیحانه برای تبرئه کل حکومت اسلامی از نسل کشی دهه شصت و انداختن گناه کشتارهای فجیع این دهه و بویژه اعدام هزاران نفر در سال ۶۷ به گردن باندهای خودسر و بی ربط به حکومت است. اگر بتوان موسوی را امروز از این جنایات تبرئه کرد، میتوان جنایاتشان میرا نمود. اما این تلاش و تقلائی مذبوحانه به اصطلاح "فعالان مدنی" تنها باعث انزجار مردم خواهد شد.

به این جماعت باید گفت که چگونه هزاران نفر را در کشوری که موسوی نخست وزیرش بوده، اعدام میکنند و ایشان و هیچکدام از اعضای کابینه اش اطلاعی از آن نداشته اند؟ گیریم که موسوی از اعدام ها اطلاعی نداشته که البته شواهد بسیاری عکس این را نشان میدهد. اما آیا یک ماه بعد یا یک سال بعد هم مطلع نشده تا در مورد این جنایت چیزی بگوید؟ از اعدامهای دسته جمعی حکومتش، از زندانهای وزارت اطلاعاتش، از اخبار صدا و سیما و دیگر رسانه های حکومتش هم که هر روز اسامی دهها اعدامی را اعلام میکردند نیز خبر نداشته

است؟ آیا واقعا میتواند چشم مردم بپوزد و ادعا کند که از دهها هزار اعدام سال های ۶۰ و ۶۱ و شکنجه ها و تجاوزها هم خبر نداشته؟ از اسیدپاشی ها و پونز زدن به صورت زنان و سنگسارها و هزاران جنایت دیگر هم خبر نداشته؟ یا اینکه بعنوان بالاترین مقام اجرایی حکومت خود شریک همه این جنایات بوده است؟

این جماعت فکر میکنند با این استدلال ها اکنون هم میتوانند جناحی از حکومت را بعنوان بیخبر از جنایات و یا بی اختیار در تصمیم گیری ها معرفی کنند و برای آن آبرو بخرد و حکومت را از خطر سرنگونی نجات دهند. بنظر میرسد این جماعت هم مثل موسوی از شعار اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا اطلاعی ندارند! گویی از شعار نابود باد جمهوری اسلامی و خشم و نفرت عمومی از کل نظام و همه مقاماتی که این نظام را بنیان گذاری کردند تا مقامات فعلی اش اطلاعی ندارند! وگرنه شاید راه دیگری برای تبرئه نظام یا بخشی از نظام پیدا میکردند!

امنستی اینبار تحت فشار فضای رادیکال و اعتراضی جامعه گزارش تندتری علیه جنایات حکومت منتشر کرده و سیستم قضایی و جنایاتش را تحت عنوان ویرانگران انسانیت افشا کرده است. بنظر میرسد امضا کنندگان این بیانیه از همین لحن تند و افشاگرانه گزارش امنستی نگران و برآشفته شده اند. در تقابل با این جماعت، مردمی که در تلاش برای سرنگونی این حکومت هستند این گزارش را پیشروی خود میدانند و از این فرصت برای ضربه بیشتر به جمهوری اسلامی و سرنگونی آن استفاده میکنند. عوامفریبی دو خردادی و اصلاح طلبان حکومتی مدتهاست که فقط مایه انزجار و تمسخر مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مهر ۱۳۹۹
۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

نمایندگان کرد مجلس، توجیه گر کشتار کولبرانند!



گرایش پیدا کنند. همچنانکه می بیند، این نماینده رژیم اسلامی آگاهانه تیراندازی و قتل کولبران را مسکوت می گذارد و از طرف دیگر می خواهد دلیل کولبری و کارشاق آنها را به گردن عده قلیلی از مسئولان بگذارد تا کل این بساط سرکوب، دزدی و چپاول را از اعتراض مردم بلر برد.

رحیمی نیز در کنار اشک تمساح ریختن برای کولبران می گوید، "البته در این میان دشمنان نظام هم فرصت را غنیمت شمرده و با بسیج کردن تمامی ظرفیتهای خود به آن می تازند". خلاصه رژیم اسلامی و نمایندگان منفورش، آنجا هم که بر اثر فشار اعتراضات مردم بجان آمده ناچار می شوند علیرغم میل خود حرفی بزنند، یادشان نمی رود که نوکری و جیره خواری خود به این دستگاه قتل و آدمکشی را ابراز دارند.

۸ مهر ۱۳۹۹
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰



یلدی محمودی

کارشاق و غیر انسانی کولبران، عبور از راههای نا امن و سبب العبور، به جیب زدن سود اصلی حاصل از کولبری توسط سرمایه داران زالو سفت دو سوی مرزها، تهدید و فشار هر روزه نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی و به قتل رساندن کولبران به بخشی از زندگی میلیونها نفر از مردم ساکن مرزهای غرب کشور تبدیل شده است. جانیان رژیم اسلامی به جای تامین کار مناسب یا بیمه بیکاری برای کولبران، سالانه صدها نفر از کولبران بخت برگشته را با شلیک مستقیم گلوله به قتل می رسانند که تنها در ماههای ژوئیه و آگوست امسال بیش از ۵۰ نفر از کولبران کشته و زخمی شده اند.

امروز فضای جامعه، فضای اعتراض به عاملین قتل و کشتار کولبران و مسببین تحمیل فقر و گرانی و بیکاری است. در چنین فضایی و هنگامی که که هشتک کولبران را

نکشید به ترند روز کاربران توییتر تبدیل می شود، تعدادی از نمایندگان کرد مجلس حکومت دزدان و قاتلان اسلامی به تکاپو افتاده اند تا با اشک تمساح ریختن از طرفی خود را حامی کولبران جا بزنند و از طرفی جنایت هولناک رژیم اسلامی در قتل عام صدها نفر کولبران در دو دهه گذشته را زیر فرش کنند.

اخیرا دو تن از این نمایندگان مجلس رژیم اسلامی به نامهای شیوا قاسمی پور "نماینده" مریوان و بهزاد رحیمی "نماینده" سقز و بانه "صحبتهای کرده اند که جا دارد اینجا به این پادوهای رژیم قاتلان و دزدان اسلامی یاد آوری کنیم که شما نمایندگان مجلس و همه کاربندان حکومت اسلامی خود جز مسببین اوضاع امروز و تحمیل فقر و گرانی، بیکاری، نداری و کارشاق و غیر انسانی به کولبران و بویژه قتل جانیان کارگران کولبری هستید که برای نان جان می دهند.

قاسمی پور در جلسه شورای اداری سروآباد می گوید، "اگر امروز مردم کردستان در مناطق مرزی به شغل کاذب کولبری رو آورده اند به دلیل سهل انگاری و کم کاری برخی از مدیران مسئولاتی است که باعث شده سفره این مردم خالی باشد و به ناچار به کولبری

شکنجه گران باید محاکمه شوند!

دادگاههای ناعادلانه محاکمه شده اند و به روشهای مختلف از جمله شوک های الکتریکی، اعدام های نمایشی، آویزان کردن، خشونت جنسی، القای حس خفگی با آب، تجویز اجباری مواد شیمیایی و محرومیت از مراقبت های پزشکی، شکنجه و مجبور به اعتراف شده اند.

جمهوری اسلامی حکومت اعدام و شکنجه است و با شکنجه و اعدام نوید افکاری رسوای عالم شد. کمیته بین المللی علیه اعدام از جمهوری اسلامی می خواهد که به اذیت و آزار روحی و جسمی شاهین ناصری در زندان فوراً پایان دهد. همینجا به همه شکنجه گران جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که اسامی آنها در حال جمع آوری است و همه این شکنجه گران را به همراه سران حکومت جنایتکار اسلامی محاکمه و دادگاهی خواهیم کرد. از خشم مردم بترسید و از این اعمال جنایتکارانه دست بردارید.

سرنگون باد حکومت اعدام و شکنجه جمهوری اسلامی
کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ مهر ۱۳۹۹
۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰

می نویسی یا نه؟ نوید هم التماس می کرد نزنید، من کاری نکردم. دستهاش هم می آورد روی سرش. یکی از مامورهایی که بعدا فهمیدم اسمش ستوان عباسی است همچین گویند روی دستش که نوید ضجه بلندی زد و از حال رفت.

من در سه دادسرا در این رابطه شهادت دادم. در دادسرای جرایم امنیتی که رفتم برای شهادت بازپرس شعبه گفت در آگاهی چه دیدی؟ من دیده هایم را توضیح دادم. بازپرس با لحن بدی گفت تو داری در پرونده امنیتی دخالت می کنی. پدتر را درمی آورم. همین مامورها را وادار می کنم که به خاطر تهمت و افترا ازت شکایت کنند. ذویت می کنم".

جمهوری اسلامی در مقابل شهادت شاهین ناصری بار دیگر وقیحانه همه چیز را انکار می کند و وی را تحت فشار مضاعفی قرار داده است. اما ردپای جنایت و شکنجه های وحشیانه جمهوری اسلامی پاک شدنی نیست. اخیرا عفو بین الملل در گزارش مفصلی از رفتار بی رحمانه و شکنجه زندانی های اعتراضات آبان ۹۸ خبر داده است. در این گزارش آمده که صدها نفر در

در باره سرنوشت شاهین ناصری شاهد شکنجه شدن نوید افکاری آخرین خبر از سرنوشت شاهین ناصری که شاهد شکنجه شدن وحشیانه نوید افکاری بوده این است که وی تحویل اطلاعات ناجا داده شده است. آقای پاک نیا که از طرف خانواده شاهین ناصری وکالت وی را بر عهده گرفته روز سه شنبه اول مهر در توییتر خود نوشت که مقام های زندان شیراز به او گفته اند که شاهین ناصری یک روز پیش از اعدام نوید در اختیار اطلاعات نیروی انتظامی است.

شاهین ناصری در یک پیام صوتی از زندان که نسخه ای از آن در اختیار کمیته بین المللی علیه اعدام قرار دارد چنین گفته بود:

"یک روز در آگاهی در راهرو صدای داد و بیداد و التماس شنیدم. سروان همراهم از من خواست که در راهرو بایستم تا او بر گردد. رفت در یک اتاق را باز کرد. من هم از روی کنجکاوی رفتم ببینم چه خبر است. دیدم دو نفر لباس شخصی در یک اتاقی با فحاشی و باتوم و لوله نوید را با بی رحمی تمام کتک می زنند. بهش می گفتند هر چی ما می گیم درست. چیزایی که می گیم



رحیم یزدانپرست

مجبور شد سر جای خود بنشیند. بعد از مدتی یکی دیگر از هواداران حزب دمکرات گفت من میترسم که خود را کاندید کنم و رای نیآورم، من هم گفته شما خودت را کاندید کن من پیشنهاد میکنم مردم بهت رای بدهند. رفقای خود همه گفتند چکار میکنید اون حزب دمکراتی است من توضیح دادم، ما هر کاری را با رای گیری پیش میبریم ایشان یا مجبور است رای ما را قبول کند و یا بعد از مدتی از شورا استعفا بدهد. دوستان صحبت های من را قبول کردند و چیزی نگفتند، آن فرد کاندید شد و رای آورد. شورا شد ۶ نفر و اما برای نفرهفتم مانده بودیم یک نفر دیگر که مدتی جزو افراد مسلح حزب دمکرات بود، فعالیت مسلحانه نداشت و زندگی عادی را میکرد ولی هنوز به حزب متبوعش تمایل داشت اما نظرات و مواضعش با حزب دمکرات فرق داشت. او هم دقیقاً همانا نفر قبلی گفت من هم میترسم رای نیآورم و گرنه خود را کاندید میکردم برای او هم من همان پیشنهاد قبلی را مطرح کردم و دوا رفقای خود مخالفت کردند که چکار میکنی و من ضمن توضیحاتی مبنی بر این که دیدگاه این با آن یکی فرق دارد را تکرار کردم او هم کاندید شد و رای آورد.

شورا تکمیل شد و مردم راضی به خانه هایشان برگشتند و ما در نحوه درست انتخاب شورا موفق شدیم و عملاً حزب دمکرات کاره ای نبود.

بعد از مدتی آن دونفر استعفا دادند و نفر اول که من پیشنهاد کردم کاندید بشود دقیقاً همین را گفت که چون کارها با رای گیری پیش میروند عملاً حرف شما به کرسی نمیشیند و گفت من از شورا استعفا میدهم و کناره گیری کرد. ***

پافشاری حزب دمکرات اما از این سو و ما و مردم راضی نبودیم، و ما پیشنهاد کردیم که از مردم حاضر در جلسه رای گرفته شود. پیشنهاد ما رای آورد و حزب دمکرات سر جایش نشست و شکست دیگری را مزه مزه کرد.

(این را اشاره کنم که یکی از اعضای شورا با پیشمرگان ناحیه میروان بگو مگر بی نشان رخ داده بود و به همین خاطر قهر کرده بود و رفته بود بطرف حزب دمکرات)

بهر حال نوبت کاندید شدن و انتخاب شورا رسید و همانجا جلسه تصمیم گرفت که تعداد نفرات شورا ۷ نفر باشند. ما درست تشخیص داده بودیم حزب دمکرات افراد خودش را آماده کرده بود که جایگزین ما کند یکی از هواداران حزب ایستاد و با تبسیحش اسامی ۷ نفر را قرائت کرد که ۲ نفر از همکاران قبلی شورا در این لیست بود. یکی از آنها همان کسی بود که قهر کرده بود و دیگری هم برای خالی نبودن عریضه بود. مردم پرسیدند رحیم چی ؟ او هم گفت ما با رحیم کار نمیکنیم. مردم گفتند رحیم نباشه ما شورا نمیکواییم و یک دفعه دیدم مردم بلند شدند و از مسجد رفتند بیرون. خود ما باورم نمیشد که این واقعیت دارد.

این دفعه من و همکاران قبلی شورا مجبور شدیم برای بازگردان مردم به جلسه، به کسانی متوسل شویم که بیشتر نقش ریش سفید و میانجیگر و از نظر سیاسی به حزب دکرات تمایل داشتند. موفق شدیم که دوباره مردم را به مسجد برگردانیم و دو باره جلسه را شروع کردیم.

اینبار ما ابتکار عمل را در دست گرفتیم و گفتیم افراد باید خوشان خود را کاندید کنند و ما ۵ نفر کاندید اعلام آمادگی کردیم. نتیجه رای گیری این شد که ما تقریباً ۹۰٪ رای ها را به ما داده شد. چون جلسه تصمیم گرفته بود ۷ نفر باشد یک نفر کم بود و کسی کاندید نشد. بعد از مدتی یک نفر از هواداران حزب دمکرات که آدم خوش نامی نبود کاندید شد اما فقط یک رای آورد و

خودم گفتم چکار باید بکنم و چه جوری مردم را مطلع کنم، فکر کردم پس رفقای دیگر چی من باید اول آنها را خبر کنم و بهشان بگویم که ما مجبور از چه قرار است. اعضای شورا را مطلع کردم و ما را برایشان تعریف کردم و گفتم من قول داده ام که مردم را در مسجد جمع کنم تا شورا ترمیم بشود. (برای جلوگیری از طولانی بودن توشه از جر و بحث بین ما میگذرم) آنها گفتند الان چکار کنیم شب دیروقته و مردم خوابند. منم پیشنهاد کردم تقسیم کار بکنیم و هر محله از روستا را که زیاد هم نیست یک نفر بعهده بگیرد و بمردم خبر بدهد که فردا شب برای ترمیم شورا جلسه است. همین کار را کردیم و همان شب به مردم خبر دادیم. تصمیم دیگرمان این بود که باید سعی کنیم زنان را هم به مجمع عمومی دعوت کنیم. کار دشواری بود که در آن روستا و در آن فضا زنان را هم به مسجد و به جلسه بیاریم اما تصمیم گرفتیم و زنان روستا را هم دعوت کردیم.

حالا ما موندم با کلی دلهره تا شب بعد که مردم را جمع کنیم و در واقع میایست که روی حزب دمکرات را کم میکردیم و نهایتاً احساس پیروزی میکردیم.

شب بعد مردم همه ریختند مسجد طوری که جای سوزن انداختن نبود. در ضمن موفق شده بودیم که چند نفر از زنان را هم به جلسه بیاریم و این موفقیت بزرگی بود نه تنها در برابر حزب دمکرات بلکه در برابر تفکر ارتجاعی و عقب مانده عناصری که در روستا که وجود داشتند.

از همان ابتدا حزب دمکرات با مشاهده جمعیت خود را شکست خورده دید و برای جبران این شکست مسئول مقررشان که همان سخنران دیشب بود و فضا را مهیا دیده بود طبق معمول اسلحه اش را جا بجا کرد، سبیلش را تابداد و بلند شد که سخنرانی کند. بلا فاصله ما گفتیم که این جلسه مردم است و افراد حزب و سازمان نباید سخنرانی کنند. مردم به نگاه کردند و دین که این بنفعشان است و حرفهای ما را تایید کردند. علاء رغم اصرار و

تجربه کار شورایی در کردستان

باشی موضوع چیست؟ (معمولاً جلسات داخل مسجد ده برگزار میشد چون بزرگ بود و همه جمعیت را در خود جای میداد) در جواب گفتم همین الان از مسافرت برگشته ام اطلاع ندارم. مهمان ما بلافاصله مورد جلسه و اهداف آن داد توضیحات کوتاهی داد و گفت میخواهند شورا تشکیل بدهند. من بلافاصله متوجه شدم که این طرح و دسیسه حزب دمکرات است. فهمیدم که میخواهند ما را دور بزنند و از فرمان خلاص شوند و با برگزاری این جلسه افراد مورد نظر خودشان را به اسم شورا جایگزین کنند. بدون معطلی رفتم مسجد. وقتی وارد شدم تعداد حاضرین را شمردم که با خود وسخنران ۱۳ نفر بودیم. (میگویند عدد ۱۳ نحس است) و من همان ۱۳ بودم که برای حزب دمکرات نحس بودم. به صحبت های سخنران گوش دادیم. وقتی تمام شد چند تا سوال پرسیدیم و کمی بحث کردیم. بعد بلافاصله گفت، الان باید تصمیم بگیریم که شورا درست کنیم. من هم در جواب گفتم فلانی شورا برا کی مردم که نیستند؟! در جواب من گفت مردم نمی آیند و همینها هستند.

بش گفتم مگر شورا برای مردم نیست؟ لابد مردم شورا نمیکوایند که نیامده اند و گرنه خودشان باید حضور داشته باشند و اعضای شورا انتخاب کنند. از من پرسید پیشنهاد شما چیست بنظرت چکار باید بکنیم، من هم در جواب گفتم من فردا شب مردم را جمع میکنم مسجد. او هم خوشحال و خندان از این پیشنهاد و تعهد من، اسلحه اش را رو دوشش جا بجا کرد و گفت، مردم شما شاهد باشید کاک رحیم قول داده فردا شب مردم را به مسجد دعوت کند. گفتم باشه اینکار بعهده من. البته حزب دمکرات فکر میکرد من نمیتوانم این کار را بکنم و شکست میخورم.

از مسجد او مدیم بیرون. شب دیر وقت بود و من قول داده بودم باید هر طوری که هست مردم را به مجمع عمومی فردا شب دعوت کنم. پیش

اینروزا که بحث شورا داغ است و دارد به گفتن جامع تبدیل میشد شاید بد نباشد که خاطره ای از دورانی که من و چند نفر از رفقایم شورای ده بودیم را در این نوشته بازگو میکنم. بمعنی واقعی کلمه، شورا از طرف مردم انتخاب میشد و تقریباً همه امورات روستا را پیش میبرد.

آن دوران هنوز فعالیت "علنی" را شروع نکرده بودم و عضو تشکیلات مخفی کومه له بودم. علنی را داخل گیومه آوردم چرا که سبک کارناموقع طوری بود که میشد گفت با آنکه به اصطلاح مخفی بود ولی بنوعی علنی کار میکردم. همزمان عضو شورای روستا هم بودم و بطور واقعی در کنار کار و گذران زندگی، فعالیت شورایی هم انجام میدادم و کار اصلی ام همین بود.

حزب دمکرات در روستای ما مقر داشت ولی بطور واقعی پایگاه اجتماعی چندانی نداشت سعی میکردند خود را قاطی امورات شورا بکنند تا شاید وجه ای برای خودشان کسب کنند. از این ماجرا بگذریم که این خود داستان دیگریست. شورا و افرادی که انتخاب میشدند برای مردم مهم بود.

همچنانکه گفتم ما تعدادی اعضای شورای ده بودیم که همگی هوادار تشکیلات کومه له بودیم و کارهای روستا را پیش میبردیم، بماند حزب دمکرات همیشه تلاش میکرد که کار شکنی بکند و کارهای مربوط به شانه حزبی را به شورا بسپارد اما وقتی بما میرسید نا امید میشد.

به اصل موضوع باز میگردم: ماجرا از این قرار بود که شورا تق و لق شده بود و همه افراد عضو شورا فعال نبودند. یک روز من رفته بودم مسافرت منزل خواهرم در روستای دیگری، عادت داشتم هر وقت میرفتم منزل خواهرم، لم میدادم و شب را آنجا می میماندم. بر حسب اتفاق آن شب برگشتم منزل. حوالی غروب بود و یکی از افراد فامیل مهمان ما بود. او از من پرسید، "داخل مسجد روستا جلسه است اطلاع داشته

مردم مبارز سردشت!

تخلیه اجباری شش روستای مرزی شهرستان سردشت را محکوم و خنثی کنید!

باید در مقابله با دستور نهاد سرکوب (شورای عالی امنیت) حکومت اسلامی ایستاد. و نگذاریم سرنوشت و زندگی هزاران نفر از ساکنین این روستاها بازپچه دستورات نهادهای امنیتی و سرکوب شود. این اولین بار نیست که رژیمهای دیکتاتور در مرزهای کردستان ایران و عراق دست به

شورای عالی امنیت ملی حکومت اسلامی دستور داده است تا شش روستای مرزی ("نوکان"، "هرزنه"، "گاک"، "گوره شیر"، "بدران" و "تیتی خوار") شهرستان سردشت تخلیه شود. طبق اطلاعاتی این نهاد روستاهای نامبرده در "حریم قرمز مرز" قرار دارند!

تخلیه و ویرانی روستاها میزنند. صدام حسین با دیکتاتوری لحام گسیخته صدها روستا در کردستان عراق را تخلیه و نسل کشی ساکنین این روستاها را به فاجعه ای انسانی در دوره در قدرت بودنش به ثبت رساند.

رژیم جنایتکار اسلامی در چهار دهه گذشته صدها بار مناطق و

روستاهای مرزی کردستان ایران را با بمب و توپ و حملات زمینی با خاک یکسان کرده و در جنگ ایران و عراق ده ها روستا را تخلیه و ساکنین این روستاها را آواره شهرها و دیگر مناطق کرده است. در شهر سردشت بر اثر بمباران در جنگ ایران و عراق ۱۱۰ نفر جانباختند و ۸۰۰۰ نفر مسموم و ده ها نفر معلول شده اند.

دستورات امنیتی و تقسیم بندی مرزها به رنگ "قرمز" را باید با

اعتراض و مبارزه ای جمعی خنثی کرد. اعمال اراده مردم شش روستای نامبرده برای تعیین محل زندگیشان امری مهم و تعیین کننده است. این مردم شش روستا هستند که تصمیم میگیرند در روستاهایی که سالیان طولانی زندگی کرده اند بمانند و یا روستاها را ترک کنند. در صورتیکه مردم با تصمیم جمعی بخواهند روستاها را ترک کنند این وظیفه



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی

خودکشی راه حل نیست

بنا به اخبار رسیده از سمنندج در طول دوهفته گذشته دو دختر نوجوان دیگر به اسامی رزوان شریفی و بهاره توریوری اقدام به خودکشی کرده و متأسفانه جان خود را از دست دادند.

در واقع باید گفت در سایه فرهنگ مردسالاری و حمایت قانون ضد زن و کودک اجازه تمام به رشد فرهنگ پدر سالاری داده شده است و ستم وارده مسبب بمرگ وادار شده به آنان است.

آمار خودکشی یا درست تر بگوئیم کشته شدن زنان و دختران نوجوان در جامعه کردستان نشان می دهد که این آمار رو به افزایش است. علل و ریشه های خودکشی این کودکان برای رهایی از تبعیض های جنسیتی و اجتماعی است. تا زمانیکه این نوجوانان نمی توانند مشکلات حقوقی خودشان را حداقل از طریق قانون حل کنند، متأسفانه همچنان به این سرنوشت دچار خواهند شد.

مجریان قانون با بی اهمیت نشان دادن علت مرگ این زنان و کودکان و عدم پیگیری دستگاه قضایی، و صدور سریع مجوز دفن اجساد، اجازه رسیدگی و ریشه یابی این مرگ ها را نمی دهد.

قانون حاکم بر اساس شریعت که بر موازین جنسیتی نوشته شده است نه تنها از زنان و کودکان حمایت نمی کند، بلکه شرایطی را بوجود می آورد که نقض حقوق بشرشان را به دست مردان خانواده تشدید میکند. قانون نیز حامی ناقضان حقوق بشر این زنان و کودکان است، آنها گاه پدر و گاه برادر، عمو یا دیگر مردان خانواده اند که با حمایت قانون عرصه زندگی را بر زنان و دختران تنگ میکنند تا جایی که این زنان و کودکان نا امید از قانون مرگ را بر زندگی پر عذاب شان ترجیح میدهند و مسببین این جایت ها که حداقل جرمشان قتل درجه دوم و یا قتل درجه سوم است هیچگاه بدست قانون مجازات نمی شوند و مجریان قانون تمایلی به وضع قوانین بازدارنده نیز ندارند.

جامعه متمدن و جنبش های آزادیخواه نباید بیشتر از این در مقابل این شرایط سکوت کنند. و برای پایان دادن به این جنایات که توسط مذهب و عقاید و ارزش های سنتی علیه زنان تبلیغ و توجیه می شوند باید مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی را سازمان دهیم. بر گرفته از صفحه مریم افراسیاب

بنا بر آمار وزارت ارشاد هفتاد درصد جامعه با حجاب اجباری مخالفند

مهدی نصیری، از چهره های شاخص جناح موسوم به اصولگرا و سردبیر سابق روزنامه کیهان می گوید که طبق آمار وزارت ارشاد جمهوری اسلامی (که منتشر نشد) ۷۰ درصد جامعه ایران مخالف حجاب اجباری هستند. نصیری که شبانگاه ۲۶ شهریور در مناظره ای در شبکه چهارم تلویزیون صدا و سیما جمهوری اسلامی شرکت کرده بود، افزود که در قم و خراسان جنوبی نسبت

مخالفان به موافقان حجاب اجباری یا بیشتر و یا مساوی است. او گفت که شدت عمل در برخورد با "زنان بی حجاب یا بدحجاب" باعث "پمپاژ تنفر به جامعه" خواهد شد. وی با بیان این که "اصرار حاکمیت به الزام حجاب منجر به دو قطبی شدن جامعه شده است"، تصریح کرد: «تجربه ویدیو و ماهواره نشان داده که در نهایت و دیر هنگام به عدم الزام حجاب می رسیم.»

نکته اول حائز اهمیت اینست که وزارت ارشاد اسلامی به عنوان یکی از وزارتخانه های دولت جمهوری اسلامی اقرار و اعتراف به این کرده که اکثریت جامعه ایران، حجاب این سند بردگی زن را نمی خواهند و این یعنی اثبات شکست قطعی حکومت در امر تحمیل حجاب و اسلامیزه کردن جامعه ایران.

نکته دوم هشدار است که این چهره اصولگرا می دهد در صورتیکه همین روند ادامه پیدا کند، در بستر نارضایتی عمومی و اعتراض زیر پوست جامعه که جنبش سرنگونی را هر روز عمیق تر و وسیع تر میکند، چالش بیشتری برای نظام جمهوری اسلامی خواهد بود، بنابراین افقی که برای بقاء نظام در نظر می گیرد، این است که جمهوری اسلامی دست از الزام حجاب بردارد.

نکته سوم، انقلاب زنانه معتقد است دست برداشتن جمهوری اسلامی از حجاب اجباری، یعنی یک گام بسیار بزرگ رو به جلو جنبش نوین رهایی زن و کلیت جامعه علیه جمهوری اسلامی و در مقابل به عقب رفتن این حکومت در مقابل جنبش آزادیخواهی و جنبش علیه مذهب در ایران که جنبشی پیوند خورده با جنبش نوبت رهایی زن است.

اگر حکومت تن به این راهکار برای بقاء خود دهد، جمهوری اسلامی باید گامهای بیشتری در مقابل خواستهای به حق زنان رو به عقب بردارد؛ لغو تفکیک جنسیتی، حق ورود زنان به استادیوم، حق طلاق، حق حضانت فرزند، حق سفر و و... و آنگاه دیگر از جمهوری اسلامی چیزی باقی نخواهد ماند چرا که اساس این حکومت روی بردگی و انقیاد زن و زن ستیزی بنا شده است.

حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی است، همین حالا چندین فعال عرصه نه به حجاب اجباری، در زندان بسر می برند، یاسمن آریانی، مرگان کشاورز، منیره عرشاهی، صبا کردافشاری و راحله احمدی از جمله فعالینی هستند که با احکام سنگین، بهترین روزهای خود را در بدترین مکانی بنام زندان جمهوری اسلامی می گذرانند. منبع: کانال تلگرامی انقلاب زنانه

مهربان کشاورزی از زندان آزاد شد

روز یکشنبه ۶ مهرماه ۱۳۹۹ مهربان کشاورزی فعال دانشجوی و بازیگر تئاتر زندانی، ساکن تهران که پیشتر به دلیل فعالیت نشریاتی و دانشجویی به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" بازداشت شده بود، پس از سپری کردن ۴۰ روز از

دوران محکومیت ۳ ماهه خود و با احتساب ایام بازداشت قبلی از زندان مرکزی اوین آزاد شد.

آخرین وضعیت فرشته دیدنی

فرشته دیدنی از معترضین به حجاب اجباری که بعد از امیا (مرگان کشاورز) دستگیر شد بعد از گذراندن ۱۰ روز در انفرادی بند ۲ الف اوین به زندان قرچک منتقل شد که حدود ۲ ماه در زندان قرچک را سپری کرد پس از این مدت و با قید وثیقه ۸۰۰ میلیونی آزاد شد اما در این مدت سپاه تمام تلاش خود را کرد تا فرشته را وادار به همکاری کند و بعد مقاومت وی مجدداً پس از ۲ ماه فرشته دستگیر و این بار به بند ۱ الف اوین منتقل و بعد از ۱۰ روز مجدداً با قرار وثیقه ۱۲۰ میلیونی آزاد شد. حکم پرونده اول در اعتراض به حجاب اجباری و ۸ اتهام، مجموعاً ۳۰ سال حبس بود و پرونده دوم ۶ ماه حبس بود که برای اجرای حکم ۶ ماه احضار شده است. حکم توسط شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب به قضاوت قاضی عموزاده صادر شده است.

زنان افغانستان با رقص و بدون حجاب با حضور در ورزشگاه از صلح و آزادی می گویند!

با شروع لیگ فوتبال افغانستان، زنان افغانستانی با پیشروی هرچه بیشتر و با حضور در ورزشگاه بدون حجاب و همراه با رقص و پایکوبی و همچنین اجرای خواننده های زن رو به طالبان و جریان های اسلامی قاطعانه از خواست صلح همراه با آزادی می گویند.

زنان افغانستان پیش از این تحت سیطره طالبان از حضور در این اماکن عمومی محروم بودند اما با سرنگونی طالبان و گسترش و پیش روی جنبش رهایی زن و علیه مبنای اسلام و اسلامگرایی، امروز افغانستان با دستاوردهای این چنینی حاصل از مبارزان فعالان و سازمانها و احزاب سیاسی، تاریکی را کنار می زند و زیر سایه آزادی، شادی و نشاط زنان رنگارنگ می شود. به امید و تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا رهایی زنان از شر قوانین اسلامی

بیانیه انقلاب زنانه در سمینار جنبش علیه تجاوز جنسی، علیه بردگی جنسی و علیه جمهوری اسلامی

موج اخیر افشاگری علیه تجاوزها و آزارهای جنسی زنان و کودکان و رنگین کمانی ها، یک خیزش عظیم علیه قوانین و مناسبات نظام حاکم بود که ریشه تولید و بازتولید تجاوز جنسی در آن نهفته است.

مساله تجاوز در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، یک مساله حکومتی است و ارتباط مستقیم با قوانین مذهبی، ارتجاعی و نرینه سالار، دولت و دستگاه قضایی دارد که در تار و پود مناسبات موجود این حکومت، آموزش و پرورش و رسانه هایی همچون صدا و سیما تنیده است.

بی اختیار بودن زن در ازدواج و طلاق، تمکین زن به شوهر، حجاب اجباری و دید کالایی به زن، مقصر انگاری قربانی تجاوز جنسی، کودک همسری، اشاعه فرهنگ هموفوب، تفکیک جنسیتی، تابو سازی از سکس و عدم آموزش روابط جنسی در مدارس، نمونه ها و فاکتورهای تعیین کننده در چرخه تجاوز جنسی اند. تجاوز در جمهوری اسلامی همچنین یک ابزار شکنجه و

ارعاب است. تجاوز جنسی به زندانیان سیاسی دهه شصت، تجاوز به بکره ها قبل از اعدام، تجاوز به معترضین بازداشت شده از جمله سال ۸۸، زمستان ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸، تعرض گشت ارشاد و آزارهای خیابانی این ارگان سرکوبگر به زنان، تجاوز به زنان "بدحجاب" بازداشت شده در مراکز نیروی انتظامی، و موارد تکان دهنده از تجاوز جنسی که آمر و عامل آن مقامات حکومتی هستند، همه و همه از مصادیق آشکار سازمان یافته بودن مسئله تعرض و تجاوز جنسی در جمهوری اسلامی با هدف سرکوب زنان و کلیت جامعه است.

اما در توازن قوای سیاسی ناشی از خیزش سراسری دیماه و آبان ۹۸، و موج اخیر و عظیم علیه اعدام که در ذات، موجی علیه جمهوری اسلامی است، شیب زمین نبرد مردم علیه جمهوری اسلامی بسمت مبارزات مردم است و همین باعث شده که اعتراض به بردگی جنسی و اعتراض به تجاوز جنسی بیش از پیش گسترده و به پرچم اعتراض علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

انقلاب زنانه ریشه کن کردن بحران تعرض و تجاوز جنسی را در ریشه کن کردن جمهوری اسلامی و از بین بردن تمام قوانین ضد زن اسلامی، قوانین مبتنی بر بردگی جنسی، قوانین ضد کودک و ضد رنگین کمانی ها میداند و همه فعالین جنبش رهایی زن، جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش دفاع از رنگین کمانی ها و دیگر جنبشهای اعتراضی از جمله جنبش دانشجویی و کارگری، و نیز نیروهای سکولار و آزادیخواه را به حمایت از قربانیان تجاوز جنسی، و به مبارزه جمعی و متشکل برای سرنگونی جمهوری اسلامی که مسبب این تراژدی اجتماعی است فرا میخواند.

مردم مبارز سرشدت!...

از صفحه ۴

جمهوری اسلامی است که محل زندگی و مسکن و حقوق برای تامین معیشت و ادامه تحصیل فرزندان شان تضمین و خسارت کامل مسکن و زمین های زارعی و باغ های آنها را پرداخت کنند.

مردم مبارز سرشدت، نباید اجازه دهند روستاهای مرزی تحت نام حریم قرمز تخلیه شوند.

کمیتة کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم سرشدت و روستاها و فعالین اجتماعی را برای سازماندهی گروه های کمک و همیاری و حمایت از ساکنین شش روستا فرا میخواند.

سازماندهی دفاع از مردم شش روستا در میدیای اجتماعی و نوشتن بیانیه و جمع آوری نامه ها حمایتی اقدامات موثر و تاثیر گذاری خواهند بود.

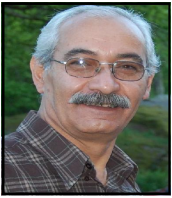
کمیتة کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهر ۱۳۹۹

۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰

تراژدی ای بنام کولبری گفتگو با عبدال گلپریان



معترض و ناراضی در سایه این حکومت جنایتکار در سراسر کشور مستلزم کولبری بوده است؟ از کشتارهای دهه شصت و هفت گرفته تا شلیک به سر و قلب جوانان معترض در آبان ۹۶ و دیماه ۹۸ و از شلیک به هوایمی اوکراینی با ۱۷۶ انسان، هیچکدام مستلزم پدیده کولبری نبوده است. میخوام بگویم ماهیت و شناسنامه این حکومت از ابتدا تا به امروز با قتل، کشتار و جنایت عجیب شده است که یکی از دلایل آن بخیال خودشان برای ایجاد فضای رعب و وحشت است. این حکومت بدون کشتار نمیتواند حتی یک روز دوام بیاورد. تمام این جنایتکارها چه در نوار مرزی با کشتار کولبران و چه در میادین و خیابانها در بگلوله بستن معترضین تنها بخاطر بقا است.

انترناسیونال: و بالاخره برای پایان دادن به کشتار کولبران و پایان دادن به این همه جنایت بنظر شما چه باید کرد؟ راه حل چیست؟ باید کولبری را قانونی کرد؟ یا کلا کاری کرد که کسی مجبور به کولبری نباشد؟

عبدال گلپریان: از روزیکه این به اصطلاح شغل کاذب از سوی حکومت به کارگران از کار بیکار شده تحمیل شده است، اعتراض و ناراضی کولبران در مقابل آدمکشی و مصادره کالاها توسط ماموران حکومتی نیز وجود داشته است و مورد حمایت مردم قرار گرفته است. خواست کولبران ایجاد کار مناسب یا تامین حقوق بیکاری است. قانونی کردن کولبری حتی اگر امنیت جانی آنان هم تامین و تضمین شود باز هم چیزی نیست بجز ادامه توهین و تحقیر و زیر پا نهادن کرامت انسانی بخشی از مردم که به این کار روی آورده اند. کار مناسب یا حقوق بیکاری مناسب مطالبه اصلی و محوری کولبران است. اما از آنجا که

کار کولبری منبع پر درآمدی برای تاجر، رانتخواران و دیگر دارنده های حکومتی است، آنان ترجیح میدهند بر بستر جهنمی که برای مردم مناطق مرزی ایجاد کرده اند، این وضع همچنان ادامه پیدا کند. در یک کلام باید بگویم پایان دادن به کشتار کولبران و محو پدیده کولبری، در واقع با ساقط کردن حکومت اسلامی از طریق انقلاب مردم و ایجاد یک شرایط انسانی میسر است. ***

نمایندگان همین حکومت در مجلس اسلامی در مقابل آن واکنش نشان دادند. میخوام بگویم که متجاوز به حریم زندگی اقتصادی، امنیتی و اجتماعی کلیه شهروندان، کاربدستان و دم و دستگاه حکومت اسلامی همراه با قداره پندانش است که زندگی را برای کولبران و نود و نه درصد جامعه به جهنم تبدیل کرده اند.

در مناطق مرزی مسیرهایی برای حمل و انتقال کالا به هر دو سوی مرز توسط ماموران و باجگیران تفنگ بست حکومت تعیین شده است که ایستگاههای به اصطلاح کنترل برای دریافت مبلغی از دسترنج کولبران نیز در همین مسیرها ایجاد شده است. بخشی از کولبران بخاطر اینکه این باج را پرداخت نکنند از مسیرهای شدت پر خطر دیگری عبور میکنند که با کمین گذاری ماموران مسلح حکومتی هدف قرار میگیرند و اگر شانس داشته باشند فقط زخمی میشوند و گرنه در دم جان میسپارند و همزمان اسبهای آنان را نیز ربکار گلوله می بندند و همان کالاها را ماموران مصادره میکنند.

برای نمونه روز دوشنبه ۳۱ شهریور، با تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی به سمت گروهی از کولبران، ۴ کولبر در مناطق مرزی شهرستان نوسود واقع در استان کرمانشاه زخمی شدند. روز سه شنبه اول مهر یکی از نمایندگان رژیم در مجلس اسلامی اظهار داشت که تنها در یکسال گذشته ۱۶۶ کولبر توسط ماموران رژیم بقتل رسیده اند. در حالیکه کشتن کولبران بیش از این تعداد است و آمار زخمی ها نه ثبت میشود نه حساب آورده میشود. آخرین مورد از این جنایت کشتن ۳ کولبر به اسامی زانکو احمدی، زانست حسن نژاد و سروش مکاری، در روزهای پایانی شهریور توسط نیروهای مرزبانی در سردشت بود و ۱۱ اسب آنان نیز با مسلسل از پای درآمدند. و بالاخره سقوط مانی هاشمی کولبر نوجوان ۱۴ ساله از سخره ها هنگام فرار و بخاطر ترس از شلیک ماموران بود.

این جنایات و ادامه این کشتارها برای دریافت همین باج ها و دسترنج کولبران است و بسیاری از کولبران حاضر نیستند دسترنجشان بجهیب مافیای مستقر در مناطق مرزی سرازیر شود.

علاوه بر این، حکومت اسلامی ماهیتا و فی نفسه ضد انسان و آدم کش است. اینگونه نیست که اگر کولبر نباشید پس امنیت جانی دارید. آیا قتل و کشتار بیش از چهار دهه از مردم

بنا شده است توسط کاربدستان و نهادهای همین ساختار غارت میشود، بفروش میرسد و میلیاردها تومان از هستی مردم بجیبهای گشادشان سرازیر میشود، دهها هزار کارگر بیکار از خود بیرون میدهد و از سوی دیگر با ایجاد و راه اندازی امر تجارت و بازرگانی در نواحی مرزی، باز هم از نیروی ازان همین کارگران بیکار شده همچنان سرگرم چپاول و سود اندوزی هستند. اینها مجموعه ای از عوامل و فاکتورهایی هستند که زمینه کار کولبری را بوجود آورده اند و گرنه هیچ انسانی حاضر نیست که شبانه روز چندین کیلومتر راه را در مناطق صعب العبور و کوهستانی، در گرمای جانکاه تابستان و سوز و سرمای سخت زمستان و خطرات جانی جدی، ثقیل کند. تنها چیزی که کولبران را وادار به این کار میکند این است که باید لقمه نانی برای خانواده و فرزندانشان تهیه کنند. آنان برای تهیه و تامین این لقمه نان جان میدهند و توسط ماموران حکومت و محافظان همان مفتخوران بقتل میرسند.

انترناسیونال: اواسط مرداد ماه امسال در جریان طوفان تویتری که در اعتراض به کشتار کولبران به جریان افتاد و شعارش "کشتار کولبران را متوقف کنید" بود، هشتگ "کولبر نکشید" به تدریج اول تویتر در ایران تبدیل شد در حالیکه امروز فرماندهان نظامی مرزبانی، کولبران را "متجاوزین مرزی" می نامند و تهدید به کشتار بیشتر از آنها کرده اند. دلیل این همه جنایت و بسبب رژیم علیه این کارگران چیست؟ رژیم چه هدفی را دنبال می کند؟

عبدال گلپریان: مقامات حکومت اسلامی و نیروهای آدمکش آنان طی دوران حاکمیت ننگینشان مدام چنین اراجیف نخ نمایی را در سخنانشان بیان کرده اند. یک وارونگی در تقابل رژیم اسلامی با مردم همیشه وجود داشته است. حکومتیان و فرماندهان نظامی آنان نه تنها در مورد کولبران بلکه در رابطه با اعتراضات بحق مردم همیشه سعی داشته اند تصویر وارونه ای از این جدال سیاسی اجتماعی را ارائه دهند. از منظر آنان در تبلیغاتشان مکان واقعی حق و ناحق عوضی به تصویر کشیده میشود. در حالیکه قضیه کاملاً برعکس است. متجاوز کس یا کسانی نیستند بجز کاربدستان، قوانین و کلا بساط حکومت اسلامی علیه کولبران و علیه کل شهروندان. این خزعبلات انقدر آبرو باخته است که حتی تنی چند از



کولبران فقط نیروی کار خود را برای نقل و انتقال این کالاها بفروش میرسانند. صاحبان اصلی این کالاها تجار و دلان و سرمایه داران در هر دو سوی مرز هستند. نهادهای حکومت اسلامی و کاربدستان حکومت اقلیم کردستان نیز در این تجارت کلان و سود آور سهیم و شریک هستند.

ابدا نمیتوان کار کولبری را شغل به مفهوم معمول آن نامید. شما نمیتوانید انجام کاری که معمار اصلی آن سودجویان، تاجر و نهادهای حکومتی هستند و هیچگونه امنیت اقتصادی، جانی و تضمینی برای مجریان این کار در آن وجود خارجی ندارد را شغل به معنای متعارف آن بنامید. در تعریف شغل حداقل ترین معیارها میتواند وجود یک قرارداد یا چارچوب تعریف شده، تامین زندگی اقتصادی کارگر، امنیت جانی، حقوق یا بیمه بیکاری و نهایتاً حق بازنشستگی را برشمرد.

علاوه بر این در دنیا یک عالمه شغل هست که متأسفانه هیچکدام از موازین ابتدایی شغلی نظیر بیمه بیکاری حق بازنشستگی و رفاه و غیره را که اشاره شد شامل نمیشود اما باز هم شغل محسوب میشود. در ایران بخش اعظم کارگران بدون این شرایط دارند کار میکنند. حتی حقوقشان را نمی پردازند و بازهم کارشان شغل محسوب میشود. آنچه که کولبری را از هر نوع شغل دیگری متمایز میکند نا امنی کامل و تحت تعقیب بودن و خطرات جانی و شرایط غیر انسانی آن است. در سیسم سرمایه داری همه جور شغلی پیدا میشود که خیلی از آنها مطلقاً انسانی نیستند. کولبری کاری غیر انسانی و ناشی از بی تاملی و فقر کامل است که باید از بین برود. به یک اعتبار باید گفت بردگی بدرجائی بهتر از کار و زندگی کولبری است. کولبران ناچار هستند از سر اجبار و برای تامین معیشت خانواده هایشان به این کار مشقت بار و خطرناک تن دهند.

همانطور که اشاره کردم در ساختار قوانین حکومتی که رانت خواری، دزدی، چپاول و غارت هستی و دسترنج مردم در آن امری نهادینه شده است، در حکومتی که مراکز تولیدی، ابزار آلات تولید، زمینی که آن مرکز تولیدی بر آن

این گفتگو در انترناسیونال شماره ۸۸۷ منتشر شده است که در این شماره ایسکرا مجدداً چاپ شده است. ایسکرا

خبرهای تکان دهنده ای در مورد کشتار کولبران به گوش میرسد که واقعا فاجعه بار است. بنا به گزارشها از دی ماه سال ۹۷ تا به امروز بیش از یکصد کارگر کولبر در مرزهای غربی کشور بوسیله آتش مستقیم پاسداران و نیروهای جمهوری اسلامی کشته شده اند، در این رابطه گفتگویی داریم با عبدال گلپریان

انترناسیونال: اول اگر ممکن است کلا در مورد پدیده کولبر مختصراً توضیح دهید. آیا این واقعا یک شغل و کار واقعی است؟ این شغل از کجا آمده است و چه زمینه ای دارد؟

عبدال گلپریان: کولبر در واقع به کارگران بیکار شده در شهرها و روستاهای مناطق مرزی گفته میشود که قبل از رایج شدن کار کولبری، یا کار و شغل معمولی داشتند یا در روستاها به کار کشاورزی مشغول بودند. خصوصی سازها در شهرهای کردستان در مراکز تولیدی و از رونق افتادن کار کشاورزی در روستاها، موج وسیعی از نیروی بیکار در شهرها و روستاهای نواحی مرزی را ایجاد کرد. از نظر اقتصادی مسئله تنها به خصوصی سازی مراکز تولیدی خلاصه نمیشود بلکه غارت هستی و دسترنج کارگران شاغلی که توسط باندها و دسته جات حکومتی بیکار شدند و امروز به کولبر تبدیل شده اند، فروش مراکز کارگری و حراج ابزار آلات در این مراکز میشود گفت که هزاران نفر را از کار بیکار کرد. این در حالی است که بعد از چپاول مفتخوران حکومتی، حتی کمترین مزایا نظیر بیمه بیکاری و یا بیمه های درمانی نیز شامل حال این نیروی وسیع که امروز به کولبری روی آورده اند تعلق پیدا نکرد.

کولبران در اذای دریافت مزد ناچیزی، بار و کالاهای تجارتی را در شرایطی خطرناک و طاقت فرسا از ایران به عراق و بالعکس حمل میکنند.

اطلاعیه های حزب در مورد اعتصابات و اعتراضات کارگری

قربانی شدن چهارصد کارگر نفت بر اثر کرونا

شرکت‌های پیمانکاری و وزارت نفت در تامین امنیت و بهداشت محیط کار پروژه‌های نفت و گاز با سودجویی کثیف و جنایتکارانه خود جان ده‌ها کارگر نفت را به خطر انداخته اند. "حجت‌الله سمیع"، مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت ایران یکشنبه ششم مهر ماه اعلام کرد که حداقل ۴۰۰ تن از کارگران صنعت نفت به دلیل ابتلا به کووید ۱۹ جانشان را از دست داده و ۴ هزار و ۱۰۰ نفر از این کارگران به این بیماری مهلك مبتلا شده‌اند. يك نمونه آن پتروشیمی سیلان است که پیمانکاران مفتخور و جنایتکار به بهداری این شرکت دستور پنهان کردن خبر را دادند و برای اینکه پروژه خود را به موقع تحویل دهند، به جای کارگران بیمار کارگر موقت به کار گرفتند. در تیرماه نیز نماینده مجلس اسلامی آمار مرگ و میر کارگران در عسلویه را به عنوان یکی از مراکز اصلی پروژه های نفت و گاز تکان دهنده توصیف کرد و گفت: "هر روز گزارش‌های تکان دهنده‌ای از عسلویه و کنگان به دست ما می‌رسد و متأسفانه شاهد مرگ و میر در استان هستیم. درصد نگرتم اما آمار خوبی نداریم. نه تنها کارگران، بلکه مردم محلی هم به شدت آلوده شده‌اند". عین همین هشدارها در مرداد ماه نیز در رابطه با وضعیت اسفناک خوابگاهها و غذاخوردی‌ها در عسلویه و تهدید خطر شیوع بیشتر بیماری کرونا در آنجا داده شده است. این گزارشات ابعاد جنایتکارانه سودجویی پیمانکاران و کل سرمایه داران مفتخور و دزد و جانین اسلامی را به نمایش می‌گذارد. در کنار نا امنی و شرایط ناهنجار و غیر انسانی محیط های کار، امروز بیماری کرونا نیز از کارگران دارد قربانی می‌گیرد. جمهوری اسلامی مسئول جانباختن ۴۰۰ کارگر در نفت و گسترش دامنه تلفات کرونا در سطح جامعه است.

عدم بکارگیری پروتکل‌های مقابله با بیماری کرونا در مراکز نفتی و موسسات وابسته به آن يك موضوع مهم اعتصابات اخیر کارگران نفت و مراکز وابسته به آن بود. با اعتراضی سراسری باید جلوی گسترش این جنایت و قربانی شدن بیشتر کارگران بر اثر ابتلاء به بیماری مهلك کرونا را گرفت. باید پروتکل‌های بهداشتی مقابله با کرونا در تمام مراکز کاری و در سطح جامعه فوراً اجرایی شود و نیازهای بهداشتی لازم به رایگان در اختیار کارگران و همه مردم قرار گیرد. باید خوابگاههای کارگران و غذا خوریه‌ها و اماکن عمومی مورد استفاده آنان با استاندارد بالا و تجهیزات لازم بهداشتی مجهز شوند. باید کارگرانی که به بیماری کرونا ابتلا می‌یابند

تا زمان بهبودی کامل با حقوق و مزایای کامل به مرخصی بروند و در مراکزی که شیوع کرونا رو به گسترش است، کارگران با دریافت حقوق کامل بتوانند کار را تعطیل کنند. دولت در قبال جان و زندگی مردم مسئول است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ مهر ۱۳۹۹، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه



کارگران بخش دفع آفات کشاورزی در نیشکر هفت تپه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی در محل کار خود در زمینهای زیر کشت، روز شش مهرماه دست به تجمع زدند. این اعتراض با دخالت نیروهای انتظامی مستقر در محوطه هفت تپه روبرو شد. در همین روز کارگران بخش داخلی شرکت نیز در اعتصاب بودند. کارگران اخراجی بخش غیر نیشکر همچنان بعد از گذشت هفت ماه از سال ۹۹، بالاتکلیف هستند. تعداد این کارگران بیش از صد و بیست نفر است. در حالیکه کارگران پیگیر مطالباتشان هستند مقامات حکومتی با وعده و وعید و دسیسه چینی در جلسات پشت پرده تلاش در عقب زدن اعتراضات کارگران را دارند. از جمله در این مدت جلسات متعددی بر سر آینده نیشکر هفت تپه برگزار شده و شورای اسلامی کار نیز که توسط کارگران در این شرکت منحل اعلام شده است، همچون ابزار دست کارفرما و دولت در این جلسات شرکت دارد و مشغول توطئه گری علیه کارگران است.

بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی کارگران نیشکر هفت تپه یکی از این جلسات مخفی با حضور بنی سعد، شلاگه و جلیل احمدی از اعضای شورای اسلامی در شهر حر و در منزل همسایه بنی سعد و با حضور یارمحمدی که تعاونی ضد کارگری را معرفی کرده برگزار شده است. به گفته کارگران یارمحمدی ماموریت دارد از طرف جناحی از حکومت بعد از رفتن اسدیگی برای مالکیت هفت تپه اقدام کند. او طرح تعاونی ضد کارگری را پیشنهاد کرده است که با واگذار کردن بخش کوچکی از سهام به کارگران، خود وی بعنوان سهامدار اصلی گرداننده شرکت

باشد. کارگران با اطلاع رسانی در مورد اهداف راه اندازی تعاونی قلابی یارمحمدی مقابل این توطئه گری ها ایستاده اند. خواسته کارگران لغو هر نوع خصوصی سازی ای و پایان دادن به بساط چپاولگری ها تحت این عنوان و گسیل یکنفر از سوی دولت جهت اداره شرکت تحت نظارت و مشورت خودشان است.

در نیشکر هفت تپه هیچ اقدامی از چشم کارگران مخفی نمی ماند. کارگران هر گونه توطئه ای را با اتحاد شورایی خود خنثی میکنند. کارگران خواستار پرداخت فوری همه طلبها و تمدید دفترچه هایشان و بازگشت به کار تمامی همکاران اخراجی خود هستند. کارگران نیشکر هفت تپه برای این خواستها به اعتراض ادامه میدهند. با انعکاس صدای اعتراض این کارگران از مبارزاتشان وسیعا حمایت و پشتیبانی کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ مهر ۱۳۹۹، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری خواستهایشان به اعتراضات خود ادامه میدهند. کارگران بخش داخلی شرکت در قسمت تجهیزات کارخانه روز ۶ مهرماه نیز دراعتصاب بودند. اما برای جلوگیری از تعطیلی شرکت و سوء استفاده مدیریت کارگران کشت همچنان به کار ادامه میدهند. زیرا يك سیاست مدیریت شرکت و دولت کاهش کشت و کوچک کردن شرکت نیشکر است و کارگران با آن مقابله میکنند.

به گفته کارگران آمیلی نماینده تام الاختیار اسدیگی در شرکت همراه با کاپیانی نماینده مستقیم دولت که قبلاً معاون وزیر کار بوده است، امور نیشکر هفت تپه را در دست دارند و بابت خوش خدمتی شان علاوه بر حقوق نجومی خود ماهیانه بالغ بر سیصد میلیون تومان پول به جیب میزنند. به این معنا که به ازای هر قلمی که از حقوق کارگران زده میشود پنج درصدش به جیب آنها میرود. دست کاری کردن تایم شیفت ها، سنگ اندازی در برابر افزایش پایه حقوق از جمله اقدامات ضد کارگری آنان در کارخانه است. بعلاوه فقط نیمی از مزد تیرماه کارگران را پرداخت کرده اند. این دو نفر ماهانه دویست میلیون نیز حقوق میگیرند و بدین ترتیب در ازای گرسنه نگهداشتن کارگران و عقب زدن اعتراضاتشان ماهانه ۵۰۰ میلیون تومان پول به جیب میزنند. تمام دم و دستگاه حکومتی و قوه قضاییه هم در خدمت این چپاول و سرکوب است. حساب های اسدیگی و باند او را از مسدود بودن خارج کرده اند اما

هنوز حقوقها با تاخیر پرداخت میشود و کارگران در حال حاضر دو ماه و نیم مزد طلب دارند. بعلاوه وعده تمدید دفترچه های بیمه نیز عملی نشده و کارگران را سر میدوانند. در مقابل این اجحافات کارگران ایستاده اند و از زندگی و معیشت خود دفاع میکنند.

مسئولین در همدستی با هم تلاش میکنند با مهلت دادن ها و با وعده و وعید اعتراض کارگران را خاموش کنند، اما کارگران با اتکاء به تصمیم گیری متحدانه و شورایی خود به اعتراضاتشان ادامه داده و پیگیر خواستهایشان هستند. کارگران نیشکر هفت تپه تا هم اکنون موفقیت های خوبی داشته اند. از جمله توانسته اند اسدیگی و باند مافیایی او را به پای میز محاکمه بکشانند و بحث خلع ید از آنها را وارد فاز اجرایی کنند. تنها راه برای تثبیت این موفقیت ها و برای حفظ نیشکر هفت تپه ادامه اعتصاب و اعتراضات متحدانه کارگران است. کارگران خواستار پرداخت فوری همه طلبها و تمدید دفترچه هایشان و بازگشت به کار تمامی همکاران اخراجی خود هستند. يك خواست مهم آنها خلع ید از اسدیگی و باند مافیایی او و بخش چپاولگر خصوصی از این شرکت و گسیل يك نفر از دولت برای اداره کارخانه تحت مشورت و نظارت خود کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه برای این خواستها به اعتراض ادامه میدهند. وسیعا در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کنید.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مهر ۱۳۹۹، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

ادامه اعلام انزجار تشکلهای کارگری و بازنشستگان علیه اعدام نوید افکاری

روز ۴ مهر شماری از تشکلهای و گروههای کارگری و بازنشستگان شامل سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون صنفی معلمان اسلام شهر، کمیته هماهنگی کمک به ایجاد تشکل های کارگری، شورای بازنشستگان ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، اتحاد بازنشستگان ایران و گروه اتحاد بازنشستگان طی بیانیه ای انزجار خود را نسبت به اعدام نوید افکاری و مجازات اعدام بطور کلی بلند کردند. در بخشی از این بیانیه تحت عنوان "اعدام نوید افکاری برای ارباب و فروشنانند خشم کارگران و معترضان!" چنین آمده است:

"گماشتگان سرمایه، برای نوید که فردی شناخته شده و از جنس خود مردم بود به خاطر شرکت در اعتراضات خیابانی سال ۹۷ پرونده

اطلاعیه های حزب ...

از صفحه ۷

سازی کرده و او را به دنبال اعتراضی ساختگی که تحت فشار و شکنجه انجام شده بود، به اعدام محکوم کردند، تا به تصور خود، کارگران و مردم معترض را بترسانند و از اعتراضات آنان در آینده جلوگیری کنند. غافل از آن که آن چه که کارگران و توده های محروم و زحمتکش جامعه را به حرکت وامی دارد و به اعتراض و مبارزه می کشاند همانا شرایط و اوضاع و احوالی اسفبار است که زندگی را برای بیش از ۹۰ درصد آحاد جامعه سخت و غیرقابل تحمل کرده و آنان را به فقر و خانه خرابی کشانده است. نوید و نویدها در واقع محصول این شرایط هستند و از دل شرایط نامناسب اجتماعی و اعتراضات و مبارزات مردم برمی خیزند. ناگفته پیداست نهادهایی که با صحنه سازی و گرفتن اعتراف در زیر فشار و شکنجه حکم صادر می نمایند، تا جان یک کارگر زحمتکش و بی گناه را بگیرند و از این طریق به اصطلاح قدرت نمایی کنند، به راستی ترسیده اند و سخت نگران وضعیت آتی خود در روزها و ماه های پیش رومی باشند. اما برخلاف تصور مدافعان سرمایه، اعدام نوید نه تنها ترس و وحشت در دل مردم ایجاد نکرد، بلکه واکنش شدید و گسترده کارگران و توده های مردم را همراه با خشم و انزجار آنان نسبت به این اقدام سرکوب گرایانه و ضدانسانی برانگیخت و آن را به عنوان قتل عمد دولتی و پدیده ای مذموم و ضدبشری در معرض نگاه و قضاوت کارگران آگاه و وجدان های بیدار جامعه قرار داد. اعدام نوید بار دیگر حساسیت جامعه را نسبت به این مسئله جلب نمود و به کارگران و توده های مردم یادآور شد که باید بر قدرت، متشکل و گسترده علیه اعدام و سلب آزادی به مبارزه برخاست. به طور قطع این، آن نتیجه مطلوب دولتمردان و عوامل سرمایه نبوده است.

ما به عنوان بخشی از جامعه کارگری ایران، ضمن عرض تسلیت به مردم زحمتکش و خانواده داغ دیده از جور ستم پیشگان، هرگونه تهدید، شکنجه و اعدام را نشانه وحشت و استیصال کارگران و عوامل سرمایه دانسته و حق شرکت در اعتراضات و اعتصابات کارگری را جزیی از حقوق حقه و مسلم کارگران و توده های محروم می دانیم. "در آخر این بیانیه بر لغو اعدام بعنوان دفاع از حق حیات تاکید میکنند.

همانطور که قبلا گزارش کردیم در روز اول مهرماه نیز چند تشکل و گروهی از فعالین کارگری، بازنشتگان، دانشجویان و لغو کار

کودکان مشتمل از انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرر، شورای بازنشتگان ایران، تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان، جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه های هنر تهران، گروهی از فعالین کارگری سقز و گروهی از فعالین لغو کار کودکان طی نامه ای سرگشاده به سازمان عفو بین الملل درخواستهای فوری مردم تاکید کردند. این تشکلهای در نامه خود خواستار فشار بر جمهوری اسلامی برای دست برداشتن از کشتار، شکنجه و اعدام و برای به رسمیت شناختن حقوق پایه ای مردم ایران شده و با اعلام اینکه صدور بیانیه ها در محکومیت اعمال ضد حقوق بشری و برای به رسمیت شناخته شدن حقوق مردم ایران توسط حکومت کافی و چاره ساز نیست، بر اعمال محدودیت های سیاسی جدی و عملی علیه حکومت ایران در سطح جهانی تا زمان تن دادن به رعایت حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم تاکید کردند. رئوس خواسته های اعلام شده در این نامه عبارتند از: اعلام آمار واقعی کشته شدگان، اعلام آمار واقعی بازداشت شدگان و روشن نمودن سرنوشت آنان، آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان آبان ۹۸ و همه زندانیان سیاسی و حق برگزاری مراسم گرامیداشت کشته شدگان در سالگرد به قتل رسیدنشان در آبان ۱۳۹۹ به هر طریق که خانواده ها و مردم همراه خانواده ها بخواهند برگزار کنند.

این چنین است که کارگران، معلمان، بازنشتگان، دانشجویان و بخش های مختلف مردم معترض جامعه علیه سرکوبگری های حکومت و علیه اعدام قد برافراشته و ایستاده اند و از زندگی و معیشت خود دفاع میکنند. دهم اکتبر برابر با نوزدهم مهرماه روز جهانی علیه اعدام در پیش است صدور چنین بیانیه هایی تدارکی برای تبدیل این روز جهانی به یک روز اعتراض سراسری در ایران است.

حزب کمونیست کارگری همگان را به تدارک حرکت با شکوه در چنین روزی و بلند

کردن هر چه رساتر صدای اعتراض علیه اعدام و بساط سرکوب حکومت فرا میخواند. با بیانیه های اعتراضی مشترک به مناسبت این روز، با ایستادن در کنار خانواده هایی که فرزندان و عزیزانشان در خطر اعدام هستند و یا به قتل رسیده اند، با تدارک تجمعات اعتراضی علیه اعدامها، با پخش کلیپ های اعتراضی به این مناسبت و اعتراض علیه اعدام و دفاع از زندانیان سیاسی، ۱۰ اکتبر را به روز بزرگ اعتراض سراسری خود تبدیل کنیم. پیام ۱۰ اکتبر امسال مردم ایران بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی به جرم پامال کردن حقوق پایه ای مردم و جنایت علیه بشریت و محاکمه تک تک سران این حکومت است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مهر ۱۳۹۹، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، رانندگان شرکت نفت گچساران

- روز ۵ مهر کارگران نیشکر هفت تپه در بخش داخلی کارخانه در ادامه اعتراضاتشان و بخاطر عدم پرداخت نیمی از دستمزد تیرماه و دو ماه حقوق مرداد و شهریور ماه خود و عدم اجرایی شدن دیگر مطالباتشان دست به اعتصاب زدند. در حالیکه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ادعا میکند که بخشی از مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه برآورده شده است، این کارگران هنوز مطالبات خود را نگرفته و دفترچه های بیمه شان تمدید نشده است. علاوه کارگران اخراجی از بخش های مختلف شرکت به کار بازگردانده نشده اند، هنوز اسماعیل بخشی و سه کارگر اخراجی دیگر که بخاطر اعتراضات سال ۹۷ دستگیر شده بودند و بعد از آزادی و بسته شدن پرونده شان همچنان اخراجی هستند، به کار برنگشته اند. محاکمه اسدیکی سردهسته مافیای حاکم بر هفت تپه معلق مانده و از او و از بخش چپاولگر خصوصی در این شرکت خلع ید نشده است و مدیران بازنشسته بازگشتی که بخاطر همدستی در اجاره زمین های نیشکر هفت تپه مورد اعتراض کارگران بودند، هنوز سرکارشان هستند. کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر

کمپین نجات هوشمند علی پور: هوشمند علی پور بعد از لغو حکم اعدام، تبرئه شد

طبق اخباری که روز، شنبه ۵ مهر ۹۹ به ما رسیده، هوشمند علیپور، فعال سیاسی که حکومت اسلامی ایران در یک دادگاه و با اتخاذ اقرار زیر شکنجه او را به اعدام محکوم کرده بود، بعد از لغو حکم اعدام، امروز تبرئه شد و در مجموع او به ۳۸ ماه زندان محکوم شد که ۲۷ ماه ارز آنرا تا کنون در زندان بوده و احتمالا تا ده ماه دیگر از زندان آزاد میشود. البته وکلای پرونده سعی دارند که با بررسی های مجدد کاری بکنند که هوشمند هر چه زودتر از زندان آزاد شود.

ما خانواده هوشمند علیپور و فعالین کمپین نجات هوشمند علیپور بسیار از این خبر خوشحالیم و امیدواریم بزودی شاهد آزاد شدن هوشمند از زندان باشیم. طبعاً اعتراضات و همیاری شما عزیزان کمک زیادی کرد تا این حکم لغو بشود و فعالیتها و اقدامات ما تا آزادی هوشمند ادامه خواهد یافت.

کمپین نجات هوشمند علی پور
شنبه ۵ مهر ۱۳۹۹
۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰

مطالباتشان بوده و خواستار گسیل شدن یک نفر از سوی دولت به این کارخانه و اداره شرکت تحت مشورت و نظارت خود می باشند. کارگران نیشکر هفت تپه برای حفظ نیشکر هفت تپه و در دفاع از شغل و معیشتشان ایستاده اند.

- روز پنجشنبه ۳ مهر ماه رانندگان خودروهای استیجاری شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و بخشی از مزد سال گذشته خود و همچنین سطح نازل دستمزدهایشان، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این رانندگان در روز قبیلش نیز در اعتصاب بودند. همچنین در هفته گذشته رانندگان خودروهای پیکاپ استیجاری این شرکت در اعتراض به نپرداختن مزد خود مقابل اداره مرکزی شرکت نفت گچساران تجمع داشتند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ مهر ۱۳۹۹، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358405758250
E-mail: abdolgolparian3@gmail.com



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!